



تأثیر مؤلفه‌های معنایی، رفتاری و کالبدی حس مکان در رضایتمندی سکونتی

محمدصادق طاهرطلوع دل¹، جمال‌الدین مهدی‌نژاد² و سیده اشرف سادات³

تاریخ دریافت: 98/05/09

تاریخ پذیرش: 99/01/24

چکیده: تبلور حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در هر مکان مؤثر است. بنابراین پرداختن به این موضوع در مجتمع‌های مسکونی از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف این پژوهش شناسایی درصد تأثیر مؤلفه‌های حس مکان به عنوان عامل ارتقای کیفیت محیط زندگی است. روش تحقیق این پژوهش از نوع تحلیل محتوا و گردآوری اطلاعات به شیوه استنادی-کتابخانه‌ای به همراه پیمایش میدانی است. قلمرو پژوهش مجموعه نظریات مطرح در رابطه با حس مکان از سال 2016-1997 میلادی است. روش آماری در کسب داده‌ها نیز براساس تحلیل محتوا و با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند بوده است. روش تحلیل داده‌ها نیز از نوع کیفی- کمی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، حس مکان عامل ارتقای کیفیت محیط زندگی در تأمین رضایتمندی ساکنین مجتمع‌های مسکونی مؤثر است. بر اساس نظرات متخصصین پیشین، حس مکان؛ به کمک عواملی همچون، عناصر کالبدی، رفتاری و معنایی مختص هر مکان حاصل می‌شود و بر این اساس برای رسیدن به حس مکان، مؤلفه ادراکی- معنایی (ذهنی) $37/5\%$ ، مؤلفه رفتاری (ذهنی-عینی) $32/5\%$ و مؤلفه کالبدی (عینی) $30/0\%$ اهمیت دارند. ولی طبق پیمایش میدانی و مصاحبه با متخصصین و پژوهشگران حاضر، مؤلفه‌های عینی به میزان $38/8\%$ ، مؤلفه‌های ذهنی $34/6\%$ و مؤلفه‌های رفتاری $26/6\%$ در ایجاد حس مکان مؤثرند. بنا به نتایج کسب شده از نظرات پژوهشگران پیشین و حاضر، مشخص شد که هر سه عامل عینی، ذهنی و رفتاری به طور هم‌تراز و حدوداً یک سوم مقولات تشکیل دهنده عوامل حس مکان در ارتقاء کیفیت محیط زندگی و تحقق رضایتمندی سکونتی را در بر می‌گیرند.

واژگان کلیدی: حس مکان، کیفیت زندگی، عوامل معنایی، عوامل رفتاری، عوامل کالبدی.

¹ دانشیار، گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
² دانشیار، گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
³ دانشجوی دکتری، رشته معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) a.sadat@sru.ac.ir

1- مقدمه

حس مکان و ادراک مکانی نشان‌دهنده پیوند افراد با مکان است و مشخصه‌ای از مکان محسوب می‌شود که با ارزش‌های انسانی ارتباط عمیقی دارد و جریانات و خاطراتی را که در پی حضور در مکان ایجاد می‌شوند، بیان می‌دارد. هر مکانی روح و ویژگی‌های خاص خود را دارد که بر مبنای آن خصلت ویژه خود را بروز می‌دهد. انسان نیازمند آن است تا حس مکان را درک کند (Schulz, 1988). در نتیجه حس مکان نوعی تعامل صمیمی و هم‌ذات‌پنداری با مکانی است که انسان در آن سکونت دارد. (Falahat, 2006: 58) کیفیت محیط زندگی یک مفهوم چندبعدی است که با مفاهیمی همچون کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندان و قابلیت زندگی اشتراکاتی دارد؛ به طوری که در بسیاری موارد به عنوان معانی مشابه در نظر گرفته می‌شود (Van Kamp et al., 2003: 6) توجه به مفاهیمی همچون حس مکان و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن بسیار مورد توجه است. مکان، جایی است که فرد را در ارتباط درونی با خود قرار می‌دهد و شناخت بهتر از محیط پیرامون و خویشتن خویش را فراهم می‌آورد. اماکن متفاوت، تصاویر ذهنی¹ متفاوتی در افراد ایجاد می‌نماید و این احساسات، ادراکات متفاوتی را از فضا رقم می‌زند. ادراک انسان که در معانی ریشه دارد، به واسطه تأویل و تداعی ذهنی دریافت می‌شود و می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد حس مکان² فراهم آورد. حس مکان، به کیفیت متمایز، یگانه و خاص یک مکان یا فضا اشاره دارد که مورد توجه افراد خاصی مانند نویسندگان و هنرمندان و دیگر بازدیدکنندگان واقع می‌شود. لذا فضاهای دارای این کیفیت‌ها عملاً از روحیه و جو تجربی متمایزی بهره‌مند می‌شود که عمیقاً به یاد ماندنی است. خانه، نخستین فضایی است که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می‌کند. سکونت، بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیط زندگی مفروض است که از تلاش برای هویت یافتن ناشی شده است. رضایتمندی از عواملی چون شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی و فضایی و عوامل ادراکی شناختی محیط زندگی نشأت می‌گیرد که نشان دهنده میزان رضایت یا عدم

رضایت از کیفیت محیط زندگی در مجتمع‌های مسکونی است. حس مکان، راحتی در محیط زندگی است که از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت می‌نماید و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت افراد می‌شود، لذا با توجه به اهمیت تحقق حس مکان در ارتقاء رضایتمندی، ضرورت دارد که به بررسی مؤلفه‌های حس مکان در رسیدن به ارتقاء رضایتمندی سکونتی پرداخته شود.

امروزه از دست رفتن حس مکان بیش از هر چیز در سطح شهر احساس می‌شود. قرارگاه‌های امروزی به جای آنکه مکانی شهری باشد، به صورت خانه گسترده شده‌ای شرح و بسط یافته است (Schulz, 2010: 289). معماری امروز با توجه به تحولات و تغییرات سده حاضر، ریشه در گذشته خود ندارد. در تعامل با فرهنگ بومی نیست و دچار فاصله زیادی با آن شده است؛ لذا از هیجانات تعلق-زای ساکنین به فضاها کاسته و حس تعلق به عنوان عاملی برای تبدیل فضاها به مکان‌هایی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد کم‌رنگ شده است (AliMohammadi, 2018: 33). باید به یاد داشت که تعامل و کنش‌مندی بین فضا و فرد یا افراد موجود در آن فضا، ساختار مکان را به حد اعلائی می‌رساند (Partoii, 2013: 123). تنها زمانی که مکانمان را ادراک کنیم، ممکن است، قادر باشیم تا خلاقانه در آن مشارکت کرده و در تاریخ آن سهمی داشته باشیم (Schulz, 2010: 290). تغییر الگوی زندگی و به تبع آن تغییر در نیازهای انسان مدرن، تغییرات شتاب‌زده بافت‌ها در کنار لاینحل ماندن رفع نیازهای ساکنان، منجر به تضعیف و گسست دل‌بستگی مکانی در آن‌ها شده است. اگرچه نظمی عمومی در هر فضا حاکم است اما هیچ حس مکانی را منتقل نمی‌کند، زیرا بافت شهری گسترده، پیوستگی دیوارهای شهری قطع شده و انسجام فضاهای شهری آسیب دیده است. کلیت شهر فاقد خوانایی و تصور پذیری است (Ibid: 271). در واقع یکی از ابعاد مهم و تأثیرگذار در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی، مطلوبیت فضاهای شهری و میزان رضایت از آن، موضوع حس - مکان است. این حس به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری



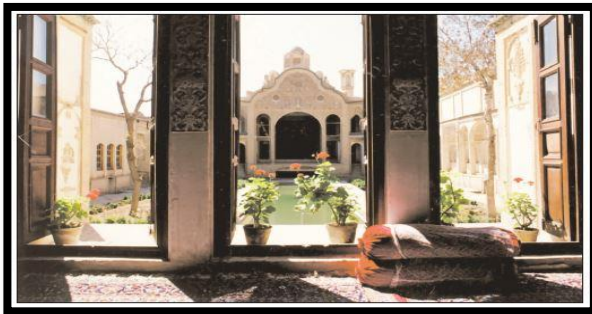
جامعه در یک مکان مشخص حمایت می‌کند و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (Falahat, 2006: 58). در این رابطه توآن³، به وجود عاملی به عنوان ریشه‌داری در مکان اشاره دارد که به معنای همبستگی و یکی شدن فرد با مکان است (Tuan, 1980: 6). فریتز استیل، روان‌شناس؛ روح مکان: ترکیب ویژگی‌هایی که به یک موقعیت مکانی، شخصیت خاص می‌دهد (Steele, 1981). جان جکسون، معمار منظر؛ حس مکان: حسی است که فرد در نتیجه یک اتفاق یا سنت در درون خود می‌سازد و با حس بازیابی و خواندن دوباره وقایع، نگهداری می‌شود (Brinckerhoff Jackson, 1994). حس مکان دارای سطوح مختلفی است. هیومن پنج گونه حس مکان را معرفی کرده است (Hummon, 1992).

که عبارت از ریشه‌داری عقیدتی، ریشه‌داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی‌مکانی است. رلف برای هر مکان شاخصه و ویژگی خاصی قائل است و آن را به سبب سه نشانه هویت مکانی می‌داند که معرف حس - مکان نیز هست گر چه برای او حس مکان چیزی فراتر از این سه است اما این سه را در ایجاد این حس در مردم تأثیرگذار می‌داند: 1- ساختار فیزیکی، 2- فعالیت، 3- معنا (Carmona, 2007: 99). شامای معتقد است سطح حس فرد از مکان روی مشارکت وی در فعالیت‌های مرتبط با مکان مؤثر است (Shamai, 1991). از نظر سالواسن حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم‌تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هرکدام از آن‌ها به تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست. عوامل مختلفی همچون بی‌حوصلگی، یک‌نواختی ساختمان‌ها و ظهور عصر دیجیتال تهیدیدی برای حس مکان به حساب می‌آید. از نظر او شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین، وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی؛ اجزای تشکیل‌دهنده حس مکان هستند و در خلق آن مؤثرند (Salvesen, 2002). حس مکان یعنی تجربه و درک یک شخص از قرارگاهی ویژه و آنچه از ماهیت مکان برای یک انسان ادراک می‌شود. حس مکان از ادراک فردی و اجتماعی، عادات و تجربه پدیدار می‌شود (Jiven and

پایه‌های ارتباطی انسان و محیط، زمینه ارتقاء کیفیت محیط را فراهم می‌آورد. متأسفانه بر خلاف پیشرفت دانش و توان مهندسی و افزایش کیفیت تکنولوژی ساخت ابنیه، هیچ‌کدام نتوانسته است در بالا بردن کیفیت ارزش‌های معماری و زندگی انسان معاصر کمک شایانی دهد، به گونه‌ای که مسکن معاصر به فضای تک بعدی و فاقد درک روح انسانی شده است. الگوهای یکسانی برای نقاط مختلف با شرایط فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و... در ساخت مسکن مورد استفاده قرار می‌گیرد. عدم رضایت و نفی احساس درونی افراد با مکان باعث مشکلاتی در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مردم شده است. امروزه فضاهای زندگی به فضاهایی بی-هویت و بیگانه تبدیل که اثرات سوء آن در همه جوانب زندگی پدیدار شده است. سوآلی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چگونه حس مکان در ارتقاء کیفیت زندگی برای تأمین رضایتمندی سکونتی مؤثر است؟

1-1- مروری بر ادبیات موضوع و مبانی نظری

حس مکان به معنی تجاربی فرا خصوصیات کالبدی مکان است، که از طریق حواس پنجگانه قابل دستیابی است و نوعی حس تعلق به روح مکان ایجاد می‌کند (Carmona, 2006: 187). حس مکان وابستگی‌های مردم و پیوستگی آن‌ها با مکان‌هایشان و یا آنچه برخی آن را ساختار احساس نامیده‌اند، را در برمی‌گیرد (Arefi, 1999). برخی معتقدند حس مکان در برگیرنده سه مؤلفه است: هویت مکان، وابستگی و دل‌بستگی به مکان (Jorgensen and Stedman, 2006; 2001). فلاح در رساله خود، حس مکان را این‌گونه تعریف می‌کند: حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد به گونه‌ای که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عامل تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص است. حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی



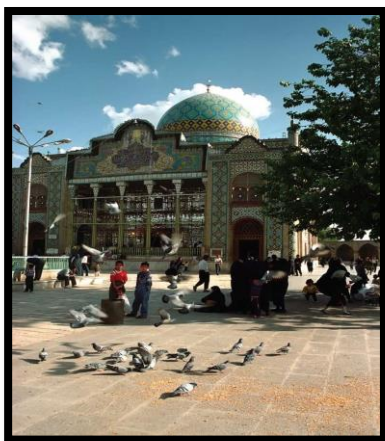
شکل 1- ادراک حس مکان در خانه بروجردی‌ها در کاشان
(ماخذ: <http://newspaper.hamshahri.org/id/7527>)

Fig. 1- The perception of sense of place in Borujerdi's house in Kashan
(Source: <http://newspaper.hamshahri.org/id/7527>)

2-1- حس مکان

مشخص کردن تعاریف موجود در حوزه‌های علمی متفاوت می‌تواند، سودمند باشد. در زیر برخی از تعاریف ارائه شده توسط پژوهشگران در حوزه‌های علمی متفاوت آورده شده است که خود اختلافات و اشتراکات بین آنها را آشکار خواهد ساخت. در تمام علوم مورد اشاره رابطه انسان و محیط بر اساس تعامل و یک حس تجربی انسان از محیط مورد مطالعه قرار گرفته شده است. در این حالت انسان و محیط مجموعه‌ای واحد را به وجود آورده و هیچ-یک به تنهایی قابل تعریف نیست.

(Peter, 2003). لانسیگ و مارنز (1969): "محیط باکیفیت بالا احساسی از رفاه و رضایتمندی را از طریق ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشد، به ساکنانش انتقال می‌دهد". وجوه خاصی از شاخص‌های کیفی در ترکیب با جنبه‌های عمیق از واژه کیفیت محیطی را تداعی کند (Van Kamp, 2003). کیفیت محیطی به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری درجه‌ای از محیط که برای زیستن انسان مناسب است، مورد استفاده قرار گرفته است (Pakzad, 2006). مکان دوستی به صورت متفاوتی ابراز می‌شود که می‌تواند زیبایی‌شناختی، حسی یا عاطفی (صورت ذهنی) باشد و یا می‌تواند شامل واکنش زیستی به محیط کالبدی بیرونی (به صورت عینی) باشد ولی یک سری عوامل بر انسان تأثیر می‌گذارد که نمی‌توان آن‌ها را صرفاً در یک حوزه ذهنی و عینی قرارداد زیرا این عوامل در هر دو حوزه با بیشترین الگوهای رفتاری، می‌توان حوزه رفتاری نامید. با توجه به مؤلفه‌های مطرح شده از هر یک از نظریه-پردازان، سه متغیر پرتکرار در این مباحث مطرح می‌گردد که برای دستیابی مشخص‌تر به مؤلفه‌های مطرح شده از دید نظریه‌پردازان و همچنین میزان اهمیت هر کدام با توجه به میزان تکرارشان در (شکل شماره: 1)، آنالیزهای مربوطه استخراج می‌شود.



شکل 3- تضاد و تنوع عامل ایجاد حس و تشخیص فضاها برای خوانایی بیشتر، بقعه شاهزاده حسن قزوین (ماخذ: Javadian, 2007)

Fig. 3- The contradiction and diversity of the creation of the senses and individuation of the spaces for greater readability, the monument of Prince Hasan Qazvin (Source: Javadian, 2007)



شکل 2- خلق و تقویت احساس دل‌انگیزی با قرارگیری نشانه-های بصری امامزاده ابراهیم (ماخذ: Javadian, 2007)

Fig. 2- Creating and enhancing the sensual feeling by placing the visual signs of Imam Zadeh Ibrahim (Source: Javadian, 2007)



شکل‌گیری تداعی‌های مختلف نسبت به آن مکان برای افراد می‌شود (Falahat, 2006). مفهوم حس مکان، هم مفهومی روانی است و هم مفهومی کالبدی. از نظر استیل، حس مکان، تجربه تمام آن چیزهایی است که افراد به مکان‌ها داده‌اند. به اعتقاد وی، مجموعه عواملی که حس مکان را به وجود می‌آورند و به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: عوامل شناختی- ادراکی و عوامل کالبدی (Steele, 1981: 35). مطابق با (جدول شماره: 3) حس مکان سطوح مختلفی دارد.

جدول 2- پیوند بین انسان و مکان در زمینه‌های متفاوت (ماخذ: Cross, 2003: 1,2)

شرح ارتباط و پیوند	انسان با مکان	پیوند	زمینه
«دل‌بستگی به مکان» ارتباطی نمادین است، افرادی آن را شکل می‌دهند که مفاهیم عاطفی- هیجانی مشترک فرهنگی را به فضایی ویژه از قطعه زمینی می‌دهند و مبنایی برای درک افراد و گروه‌ها از محیط و ارتباط با آن قرار می‌گیرد. بنابراین دل‌بستگی به مکان چیزی بیش از تجربه هیجانی و شناختی است و باورها و اعمال فرهنگی که افراد را به مکان ارتباط می‌دهند، نیز شامل می‌شود (Setha Low).	«فرابستگی به مکان»	انسان شناسی	انسان شناسی
«حس مکان» عبارت است از تجربه ویژه یک شخص در محیطی ویژه (برانگیخته از احساسات، هیجانات، سرور، راحتی و آلی آخر (Fritz Steele).	«حس مکان»	روان شناختی محیط	روان شناختی محیط
«توپوفیلیا» پیوندی عاطفی بین افراد و مکان یا محیط که از لحاظ شدت، ظرافت و روش ابراز متنوع هستند، واکنش به محیط می‌تواند زیبایی‌شناختی، لمسی یا هیجانی باشد (Yi-Fu Tuan).	«مکان دوستی»	جغرافیا	جغرافیا
«حس مکان» چیزی است که ما خودمان در جریان زمان ایجاد می‌کنیم. این مقوله نتیجه عادت یا آداب و رسوم است. آنچه ممکن است مفهوم رویدادهای متناوب نامیده شود، حس مکان را تقویت می‌نماید (John Brinckerhof).	«حس مکان، حس زمان»	تاریخ معماری	تاریخ معماری
منظور من از «حس مکان» عبارت است از ادراکات ذهنی افراد در مورد محیطشان و احساسات کم‌وبیش خودآگاه آن‌ها در مورد آن. حس مکان به طرز اجتناب‌پذیری ماهیت دوگانه دارد؛ منظری تفسیری را در مورد محیط، واکنش هیجانی را نسبت به محیط شامل می‌شود. حس مکان جهت‌گیری شخصی را نسبت به مکان شامل می‌شود که در آن درک شخص از مکان و احساسات وی در مورد مکان در بافت معنای محیط‌نگر در هم می‌آمیزند (David Hummon).	«دل‌بستگی به مکان»	جامعه شناسی	جامعه شناسی

حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود (PirPaii et al., 2018: 163).

اما به دلیل آنکه تعاریف آنها به کیفیات و مشخصات متفاوتی از مکان برمی‌گردد، سه نوع نگاه به حس مکان وجود دارد: حس مکان: احساسی که از تفاوت فضایی، جهت‌یابی فضا و درک آن به وجود می‌آید. روح مکان: پیوند با کیفیت‌های منحصر به فرد مکان و درک آن یا مشخصه آن مکان. وابستگی به مکان: ادراک ذهنی از یک مکان و ارتباط فردی با آن بر اساس تجربه شخصی. عناصر تشکیل‌دهنده این سه گروه را می‌توان در درجه‌های متفاوتی از عناصر فیزیکی و فضایی تا عناصر شخصی و غیر مادی و ذهنی کنار هم قرارداد که ممکن است برای طراح، قابل کنترل و یا غیر قابل کنترل باشد (Steele, 1981: 36).

حس مکان اصطلاحی است که به شناخت‌ها و احساسات عاطفی در ارتباط با یک مکان جغرافیایی خاص بر می‌گردد. حس مکان در ساده‌ترین شکل خود، با استفاده از معادله «مکان = فضا + معنا» تعریف می‌شود (Tuan, 1977). حس مکان وابسته به احساس و تصور افرادی است که مکان را تجربه کرده‌اند. همچنین مربوط به نیاز هویت بخشی به محیط شخصی و نیاز به بودن در یک مکان با هویت، برای افراد است (Semon and Sowers, 2008: 48). به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌خورد و یکپارچه می‌شود. این حس، عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه‌ای برای افراد خاص می‌شود. حس مکان، باعث دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود (Ansari et al., 2013: 6). حس مکان مفهومی است که از یک‌سو ریشه در تجارب، خاطره، سنت، تاریخ، فرهنگ، اجتماع و... دارد و از سوی دیگر متأثر از عوامل عینی و بیرونی در محیط، همچون منظر، بو، صدا و... است که منجر به

جدول 3- سطوح مختلف شکل‌گیری حس مکان (Adapted from Shamai, 1991)

Tab. 3- Different levels of sense of place formation (Adapted from Shamai, 1991)

ردیف	سطح	تشریح سطح احساسی نسبت به مکان
1	بی‌توجهی به مکان (بدون احساس و عدم ادراک)	این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی‌شود، ولی می‌تواند در سنجش حس مکان استفاده شود.
2	حضور در مکان (احساس مادی و عینی)	این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است توجه دارد، در مقابل تمام سطوح که مبنای نظری داشتند این سطح از رفتارهای واقعی افراد برداشت می‌شود.
3	آگاهی از استقرار (احساس مادی و ادراک)	این سطح هنگامی است که فرد می‌داند که در یک مکان متمایز زندگی می‌کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می‌دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی‌داند که بخشی از آن مکان است.
4	تعلق به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری)	در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آنچه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد نیز مهم است. حس تعلق به‌طور کلی به معنای مهر و نشانی است که مردم بر مکان خاصی می‌زنند.
5	دل‌بستگی به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری)	در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد، در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود.
6	یکی شدن با مکان (احساس فزاینده و ادراک ذهنی)	این سطح نشان‌دهنده درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آن‌ها منطبق شده و از آن‌ها پیروی می‌کند و در فرد عشق و شور و از خودگذشتگی نسبت به مکان به وجود می‌آید.
7	تعهد به مکان (احساس فزاینده و ادراک ذهنی)	این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری زیادی برای گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد.

شامای در بررسی‌های خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان سه مرحله اصلی حس مکان، دل‌بستگی به مکان و تعهد به مکان را معرفی و این حس را در هفت سطح طبقه‌بندی می‌کند (Shamai, 1991: 347-358). با توجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌های مختلف می‌توان سطوح مختلف شکل‌گیری حس مکان را از بی‌توجهی به مکان که با عدم ادراک فرد از محیط اطرافش معادل است، تا تعهد به مکان که با احساس و ادراک ذهنی همراه است؛ می‌توان بیان نمود.

1-3- اثر حس مکان در ارتقای کیفیت معنایی معماری

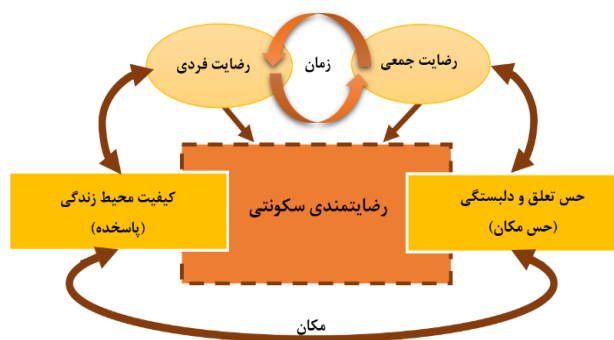
از عوامل مؤثر در کیفیت معنایی فضای معماری، می‌توان به حس مکان متأثر از «معانی» و بسیاری از قراردادهای روانی-رفتاری اجتماع است. از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است (Semon and Sowers, 2008: 43). ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر گذارند و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان مؤثر است و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند (Falahat, 2006: 58). حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. مهم‌ترین عوامل حس مکان در دو دسته «معانی» و «ساختار کالبدی» فضا قابل بررسی هستند. علاوه بر مؤلفه‌های کالبدی که نقش مؤثر در شناخت ساختار و درک فضا دارند، معانی با ایجاد ادراکی درونی از فضا، عاملی در پیدایش هویت، زیبایی و لذت از فضای ساخته شده هستند (Ibid). مطالعات انجام شده نشان‌دهنده این است که بین دو مفهوم حس مکان و کیفیت محیط زندگی و در نهایت مفهوم میانی دیگری قرار دارد که می‌تواند حلقه ارتباطی این دو موضوع باشد، مفهوم رضایتمندی است (شکل شماره: 4) میزان رضایت افراد از محیط زندگی-شان، احساس نزدیکی و پیوند با محیط را پدید می‌آورد (BehzadFar and GhaziZadeh, 2011)



این عناصر در طراحی مکان‌ها و ایجاد حس مکان قوی در بین افراد و مکان‌ها و رساندن آنان به مراتب بالای حس مکان و در نهایت ایجاد هویت مکان قوی با خود انسان‌ها (شکل شماره: 5) در طول زمان پرداخته می‌شود (Kashi and Bonyadi, 2013: 43-52).

4-1- کیفیت محیط زندگی

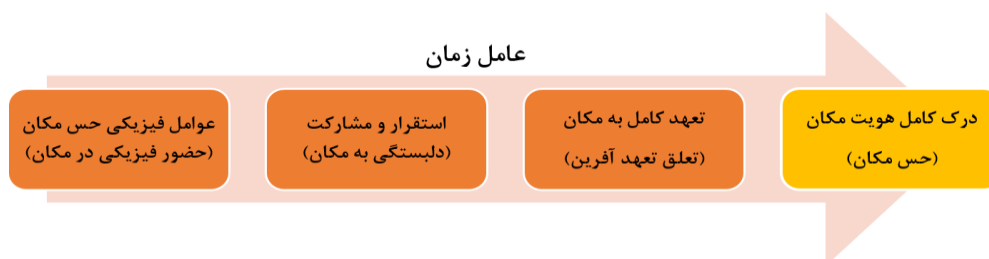
کیفیت زندگی، واژه‌ای دربردارنده دودسته از شاخصه‌ای ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است که با توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی به دنبال تأمین نیازهای مادی و معنوی زندگی ساکنین و رضایتمندی حداکثری آنان از زندگی است. (Vazifehdost et al., 2009) تعدادی از پژوهشگران، همانند مک کال (1975)، مایرز (1987)، دیویدسن و کارتر (1991)، اوبرین و ایدی (1991)، گری سن یونگ (1994)، دینر و ساهه (1997)، تراک سرور و اتالک (2001)، در مورد کیفیت زندگی، بررسی کرده‌اند و در این مورد موافقت وجود دارد که تعریفی پر معنی و جامع از کیفیت زندگی می‌بایست به رسمیت شناخته شود که این مفهوم (کیفیت زندگی) دو بعد مرتبط و پیوسته دارد، یعنی یک بعد روان‌شناختی و یک بعد محیطی (Lotfi, 2009) کیفیت زندگی حاکی از ارتباط بین دو دسته شاخص (عینی و ذهنی) است. علاوه بر این شاخص‌های عینی کیفیت زندگی برای ارزیابی رفاه فردی دارای ضریب اعتماد بالا اما کارایی پایین است، اما درحالی‌که شاخص‌های ذهنی دارای ضریب اعتماد کم و کارایی بالاست (Pacione, 2003). در این خصوص می‌توان تعاریفی از کیفیت محیط زندگی دسته‌بندی نمود که در جدول شماره 4 آمده است.



شکل 4- مدل مفهومی ارتباط بین حس مکان و رضایتمندی (ماخذ: Bahrampour and Modiri, 2015)

Fig. 4- Conceptual model of the relationship between the sense of place and satisfaction (Source: Adapted from Bahrampour and Modiri, 2015)

در زمینه حس مکان نظریه پردازان به عامل زمان توجه کمتری کرده‌اند. آنچه از تعاریف حس مکان مشخص است، حس مکان در طول زمان و با توجه به درک افراد، میزان حضور و مشارکت آنان در مکان متفاوت است. به عبارتی حس مکان دارای مراتب و شدت مختلف، متناسب با هر انسان و به صورت فردی است. حس مکان را می‌توان به عنوان معیار سنجش هویت معماری دانست. آنچه در سطوح اولیه حس مکان دیده می‌شود بیشتر مربوط به عوامل فیزیکی و حضور فیزیکی در یک مکان است. در سطوح میانی حس مکان، آنچه منجر به رابطه قوی‌تر با مکان می‌شود، مشارکت و دل‌بستگی با مکان به واسطه فعالیت‌های موجود در آن است و در سطوح آخر حس مکان احساس یکی بودن و تعهد کامل با مکان به دلیل معناهای شکل گرفته در ذهن انسان‌ها، مشاهده می‌شود. بنابراین در ادامه به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت مکان و حس مکان به منظور استفاده



شکل 5- سیر تکاملی عوامل ذهنی مکان (ماخذ: Kashi and Bonyadi, 2013)

Fig. 5- Evolutionary of mental factors of the place (Source: Adapted from Kashi and Bonyadi, 2013)

جدول 4- تبیین دیدگاه‌های نظریه‌پردازان از موضوع

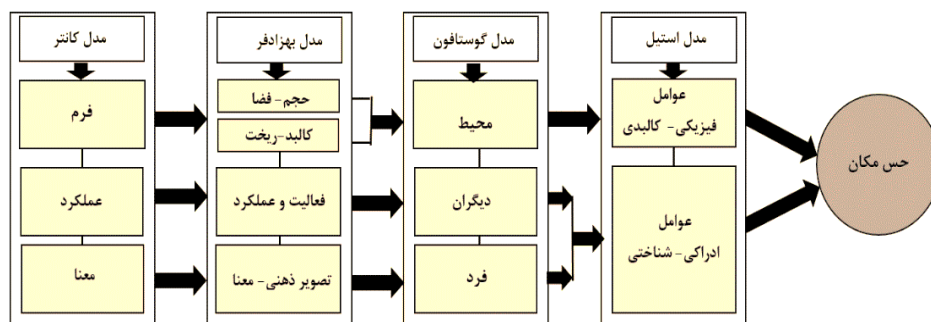
کیفیت محیط زندگی

Tab. 4- Explanation of theorists' views on the quality of the living environment

ردیف	نظریه‌پردازان	مفهوم کیفیت محیط زندگی
1	Lansing and marans (1969)	محیط باکیفیت بالا حسی از رفاه و رضایتمندی را برای افراد از طریق بهبود شاخص‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا نمادین باشد، به همراه دارد.
2	Porteous (1971)	کیفیت محیط موضوعی پیچیده‌ای است که ادراک انتزاعی، طرز تلقی و ارزش‌هایی را که در بین گروه‌ها و افراد متفاوت است، در برمی‌گیرد.
3	RMB (1996)	کیفیت محیط، ناشی از کیفیت عناصر تشکیل‌دهنده یک منطقه اما چیزی بیشتر از مجموع عناصر و در واقع ادراک مکان به طور تمام و کمال است. عناصر تشکیل‌دهنده کیفیت محیط (طبیعت، فضای باز، زیرساخت، محیط ساخته‌شده، امکانات و منابع محیط طبیعی) هرکدام دارای ویژگی‌ها و کیفیت نسبی مربوط به خود هستند.
4	Repeal (1996)	کیفیت محیط زندگی را حدی که شخص از امکانات مهم زندگی‌اش لذت می‌برد تعریف می‌کند.
5	Collados (1999)	کیفیت زندگی مفهومی اجتماعی است و معنایی واقعی ندارد، بلکه صرفاً افراد هستند که بدان معنی می‌بخشند.
6	Rivm and Livability (2002)	کیفیت محیط زندگی می‌تواند به عنوان بخش اصلی مفهوم وسیع‌تر کیفیت زندگی، همانند کیفیت‌های اصلی از جمله سلامت و امنیت در ترکیب با جنبه‌هایی همچون راحتی و جذابیت تعریف شود.
7	Pal (2005)	کیفیت محیط زندگی نشان‌دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است و می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود.

همان‌طور که در شکل شماره 6 مشخص است مدل کانتر حس مکان را به سه حوزه فرم، عملکرد و معنا تقسیم نموده است. عامل فرمی (عینی)، عامل عملکردی (رفتاری) و عامل معنایی (ذهنی) است. مدل گوستافون نیز حس مکان را به حوزه محیطی (عینی)، دیگران (رفتاری) و فردی (ذهنی) تقسیم نموده است. درحالی‌که مدل بهزادفر نیز حس مکان به چهار مدل یعنی؛ حجم - فضا و کالبد - ریخت (عینی)، فعالیت و عملکرد (رفتاری) و تصویر ذهنی - معنا (ذهنی) تقسیم شده است ولی مانند مدل‌های قبلی در سه دسته قابل تقسیم است. پس این تقسیم‌بندی به صورت کلی به شرح زیر (شکل شماره: 6) قابل ارائه است.

با مقایسه تطبیقی چهار مدل کانتر (1977)، استیل (1981)، گوستافون (2001) و بهزادفر (2013)؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که عوامل فرم و عملکرد در مدل کانتر، متناظر با عوامل فیزیکی استیل و متناظر با محیط و دیگران گوستافون و متناظر با فضا، فعالیت و عملکرد، کالبد و ریخت بهزادفر است که خود شامل پارامترهای چون اندازه، مقیاس، اجزاء، بافت، تزئینات، رنگ، بو، صدا، دما، تنوع بصری، نفوذپذیری، روابط و چیدمان، درجه محصوریت و نیز عامل معنا در مدل کانتر، متناظر با عوامل شناختی - ادراکی استیل، متناظر با فرد در مدل گوستافون، متناظر با تصویر ذهنی - معنا در مدل بهزادفر است که خود پارامترهایی چون عوامل فرهنگی، هویت، خوشایندی، امنیت، حس حریم، زیبایی، نمادها، دل‌بستگی و وابستگی به مکان، خوانایی، سرزندگی، تنوع، خاطره‌انگیزی است. در هر چهار نظریه وجود انسان مهم‌ترین عامل معنا دهنده به مکان است.



شکل 6- چهار مدل از عوامل تشکیل‌دهنده حس مکان

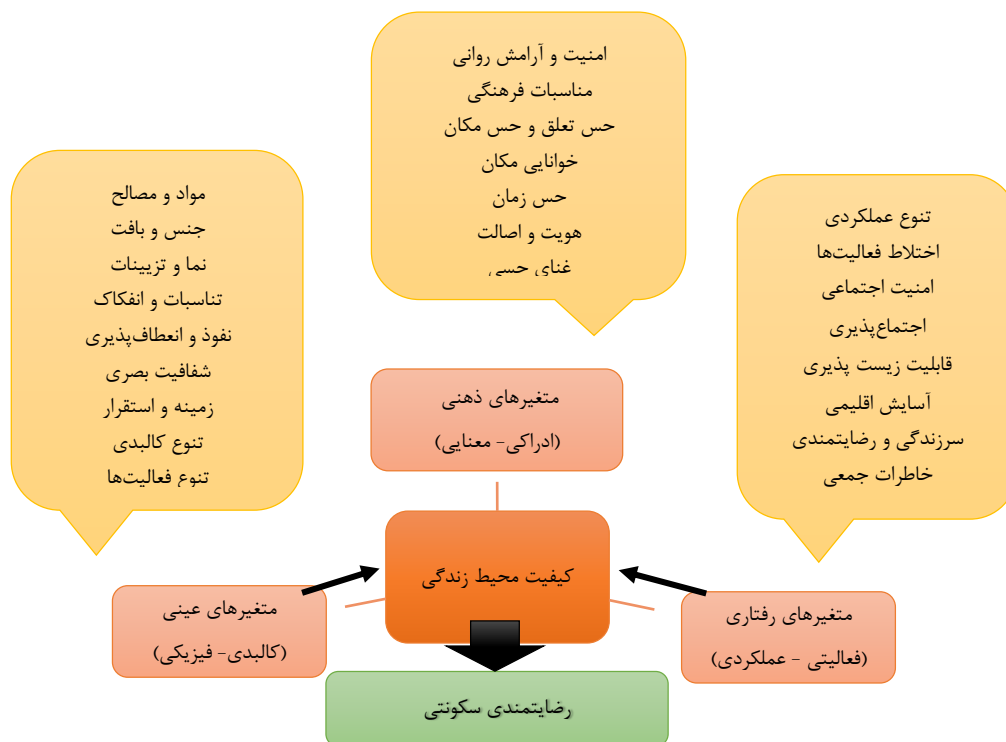
Fig. 6- Four models of the constitutive factors of the sense of place

پدیده مکان زمانی شناخته شده می‌شود که تصاویر ذهنی اولیه، خاطرات و تجارب آدمی بتواند به نوعی هویت وی را تداعی کند. مقدار عوامل مؤثر حس مکان بر ایجاد رضایتمندی متفاوت است که مهم‌ترین آن کیفیت ذهنی زندگی است. بنابراین مناسب‌ترین شیوه برای کشف رضایتمندی سکونت، پرداختن به ادراک افراد است. شاخص‌های ذهنی برای اهداف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در طراحی مجتمع‌های مسکونی ارجح است، زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌کنند. مطابق (شکل شماره: 7) مدل کیفی مؤلفه‌های حس مکان مؤثر در بهبود کیفیت محیط زندگی و تأمین رضایتمندی نیز مشخص می‌شوند.

2- روش تحقیق

هدف از این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حس مکان برای ارتقای کیفیت محیط زندگی در جهت معنا بخشیدن به رضایتمندی سکونت ساکنین است.

نوعی ارتباط میان انسان و مکان حاکم است که رلف از آن به عنوان روح مکان یاد می‌کند و شولتز آن را عاملی می‌داند که حالت روحی را سبب می‌شود و نمود آن ادراکی است که انسان از مکان به دست می‌آورد و رفتاری است که از او سر می‌زند. به بیان دیگر یکی از عوامل تأثیرگذار در رفتار انسان در اماکن عمومی ادراک از مکان است. همان‌گونه که رلف رویدادی احساسی را سبب تغییر فضا به گونه‌ای دیگر بیان می‌دارد: هر معنایی که فضا و زمان دارند، مکان و موقعیت معنای بیشتری از آنها دارند. در ذهن انسان فضا همان مکان و زمان در ذهن او همان موقعیت است (Carmona, 2006: 99). مکان از نظر معماری، فضایی است که با ذهن انسان رابطه برقرار کند و در واقع جزئی از ذهن انسان شود. طبق نظریات مکتب گشتالت ذهن انسان متشکل از ادراکات کلی معناداری است که این ادراکات از طریق تداعی با یکدیگر ارتباط یافته و بدین گونه پدیده‌ها را تفسیر می‌کنند (NaghiZadeh, 2007). به این صورت می‌توان گفت که



شکل 7- مدل کیفی از مؤلفه‌های حس مکان مؤثر در تأمین رضایتمندی سکونت

Fig. 7- Qualitative model of components of effective sense of place in improving residential satisfaction



پیمایش واقع شد. آنگاه درصد فراوانی مربوطه به هر یک از شاخص‌ها و هر یک از عوامل به صورت کلی محاسبه شد، در نهایت نحوه ترکیب و تأثیر این مؤلفه‌ها بر ارتقای کیفیت محیط زندگی جهت تحقق رضایتمندی سکونتی تبیین شده است. براساس یافته‌های پژوهش جمع‌بندی‌های لازم مدل ارتباطی میان مؤلفه‌های حس مکان در تحقق ارتقای رضایتمندی و همچنین میزان درصد تأثیر مؤلفه‌های مؤثر حس مکان در تحقق رضایتمندی سکونتی طبق نظر پژوهشگران پیشین و حاضر به دست آمده است.

1-2- تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس جمع‌بندی نظرات پژوهشگران پیشین در رابطه با موضوع حس مکان در سه عامل فیزیکی (عینی)، غیر فیزیکی (ذهنی) و فیزیکی- غیر فیزیکی (رفتاری) دسته‌بندی گردید. در جدول زیر (جدول شماره: 5) درصد فراوانی نظرات هر یک از نظریه‌پردازان از سال 1977 تا 2016 محاسبه شده است.

روش پژوهش این مقاله به شیوه تحلیل محتوا و گردآوری اطلاعات به صورت استنادی- کتابخانه‌ای به همراه پیمایش میدانی است. قلمرو پژوهش شامل نظریات مطرح در این زمینه است. با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و جامعه آماری 40 نفر است که 20 نفر متشکل از نظرات پژوهشگران پیشین در رابطه با این موضوع از سال 1997 تا 2016 و همچنین 20 نفر از نظرات پژوهشگران حاضر در رابطه با این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش به صورت کیفی- کمی است.

بنابراین در ابتدا نظر پژوهشگران پیشین در رابطه با موضوع حس مکان گردآوری و بعد آن نظرات را در سه حوزه عینی (فیزیکی- کالبدی)، ذهنی (ادراکی- معنایی) و رفتاری (فعالیتی- عملکردی) دسته‌بندی و سپس مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روی هر یک از عوامل به دست آمده است، در کل 28 شاخص در رابطه با این سه عامل پیدا شده است که مورد نظرسنجی پژوهشگران حاضر قرار گرفت و ارزیابی صحت موارد کسب شده مورد

جدول 5- طبقه‌بندی سه‌گانه در تحقق حس مکان از نظر نظریه‌پردازان

Tab. 5 - The three classifications in realizing the sense place from theorists' point of previous researchers

ردیف	نظریه‌پرداز	سال	عوامل حس مکان		
			عوامل عینی	عوامل ذهنی	عوامل رفتاری
1	Canter	1977			
2	Steele	1981			
3	Panter	1991			
4	Shamai	1991			
5	Hummon	1992			
6	Altman and Low	1994			
7	Jackson	1994			
8	Xu, Yan	1995			
9	Montgomery	1998			
10	Arefi	1999			
11	Gustafsson	2001			
12	Tuan	2001			
13	Cross	2001			
14	Salvesen	2002			
15	Jorgensen and Stedman	2006			
16	Falahat	2006			
17	Schulz	2010			
18	Behzadfar	2013			
19	Mirgholami	2016			
20	Falahat	2016			
	جمع‌بندی کمی تعداد نظرات		12	15	13

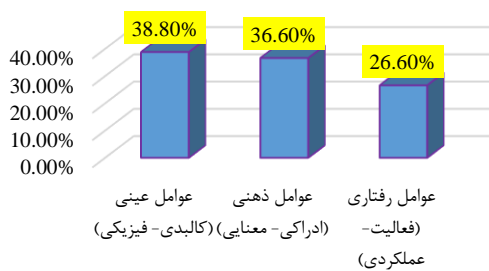


با توجه به شکل فوق؛ (شکل شماره: 8) "عوامل ذهنی" به عنوان مهم‌ترین فاکتور به دلیل بیشترین تکرار و بعد از آن "عوامل رفتاری" و "عوامل عینی" به ترتیب در رتبه دوم و سوم اهمیت قرار می‌گیرند.

جدول 7- فراوانی مؤلفه‌های حس مکان بر اساس نظریه پژوهشگران حاضرین

Tab. 8- Frequency of components of sense place based on the theory of present researchers

ردیف	مؤلفه‌های مورد تأیید و توجه	پژوهشگران حاضر
1	ذهنی (عوامل غیر فیزیکی و احساسی)	36/50 %
2	رفتاری (عوامل فعالیتی و قابل مشاهده)	24/87 %
3	عینی (عوامل فیزیکی و ملموس)	38/63 %
4	جمع کل	100/0 %



شکل 9- میزان تأثیر عوامل تحقق حس مکان بر اساس نظریه اندیشمندان حاضر

Fig. 9- Amount of the effect of the factors of realizing a sense of place based on the thinkers' theory of present researchers

با توجه به شکل شماره 9 "عوامل عینی" به عنوان مهم‌ترین فاکتور به دلیل بیشترین تکرار و بعد از آن "عوامل ذهنی" و "عوامل رفتاری" به ترتیب در رتبه دوم و سوم اهمیت قرار می‌گیرند. با توجه به مطالعات صورت گرفته در این خصوص می‌توان جمع‌بندی نظرات در تعیین دسته‌بندی مؤلفه‌های کمی حس- مکان به شرح جدول شماره 8 خواهد بود.

3- نتایج و بحث

حس مکان از طریق سه شاخص عینی، ذهنی و رفتاری در بالا بردن رضایتمندی مؤثر است. کیفیت عینی زندگی

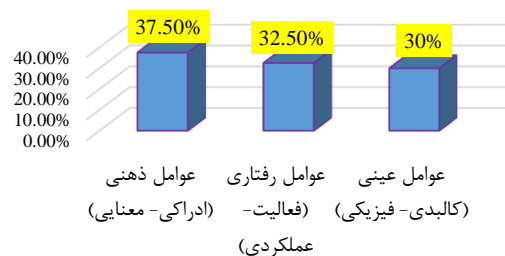
به این ترتیب، بر اساس جداول ارائه شده (جداول شماره: 5 و 6) اقدام به جمع‌بندی میان 40 نظریه مطرح از میان 20 نفر نظریه‌پرداز با دسته‌بندی در سه حوزه عینی، ذهنی و رفتاری به صورت درصد فراوانی جمع‌بندی شده است. در نتیجه، طی بررسی به عمل آمده، درصد فراوانی عامل ذهنی معادل با 37/5 درصد، تعداد 15 نظریه و عامل رفتاری معادل با 32/5 درصد، تعداد 13 نظریه و عامل عینی معادل با 30/0 درصد، تعداد 12 نظریه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول 6- فراوانی مؤلفه‌های حس مکان بر اساس نظریه پژوهشگران پیشین

Tab. 6- Frequency of components of sense place based on the theory of previous researchers

ردیف	مؤلفه‌ها	تعداد نظرات	درصد فراوانی
1	ذهنی (عوامل غیر فیزیکی و احساسی)	15	37/5 %
2	رفتاری (عوامل فعالیتی و قابل مشاهده)	13	32/5 %
3	عینی (عوامل فیزیکی یا ملموس)	12	30/0 %
4	جمع کل	40	100/0 %

بر این اساس، مجموعه یافته‌های پژوهش پژوهشگران پیشین را می‌توان به صورت شکل شماره 7 در زیر به نمایش درآورد:



شکل 8- میزان تأثیر عوامل حس مکان بر اساس نظریه پژوهشگران پیشین

Fig. 8- Amount of the effect factors of a sense of place based on the thinkers' theory of previous researchers

حاصل می‌شوند. واقعیت خیلی مهم این است که برای دست‌یابی به رضایتمندی سکونتی نمی‌توان تنها از طریق شرایط کالبدی و فیزیکی تعیین شود، کیفیت ذهنی زندگی بر حسب رضایت کلی افراد از زندگی معمولاً با استفاده از عوامل غیر ملموس و قابل احساس اندازه‌گیری می‌شود.

با استفاده از شاخص‌های عینی که مرتبط با واقعیات قابل‌مشاهده و ملموس زندگی هستند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، نقش و تزیینات، مواد بوم آورد، فرم هندسی، جنس، رنگ، بافت، تناسبات، موقعیت استقرار، بو، صدا، رنگ، انفکاک و مراتب، نفوذپذیری و انعطاف‌پذیری، دسترسی‌ها و...

جدول 8- جمع‌بندی کلیه مؤلفه‌های حس مکان
Tab. 8- Summing up the components of the sense of place

درصد تأثیر عوامل اصلی	درصد تأثیر ریز عامل‌ها	ردیف استناد	درصد تأثیر پژوهشگران حاضر	ردیف پژوهشگران	درصد تأثیر پژوهشگران پیشین	شاخص‌های حس مکان	مفاهیم متعارف	ردیف
26/90%	4/46%	13, 14, 15, 19	4/43%	7	4/50%	4	هویت و اصالت	1
	2/14%	19	3/16%	5	1/12%	1	زیبایی و نمادها	
	2/95%	2, 3, 20	2/54%	4	3/37%	3	خوانش و آدرس‌پذیری	
	3/90%	16, 17, 19	4/43%	7	3/37%	3	تنوع خاطره‌انگیزی	
	2/46%	14	3/80%	6	1/12%	1	امنیت روانی و حس حریم	
	3/58%	8, 15, 20	3/80%	6	3/37%	3	تعلق دل‌بستگی	
	4/15%	10, 13, 15, 19	3/80%	6	4/50%	4	جاذبه و وابستگی	
3/26%	3, 4, 7	3/16%	5	3/37%	3	مناسبات فرهنگی		
32/10%	4/46%	3, 12, 13, 16	4/43%	7	4/50%	4	حضور پذیری و تردد	2
	3/26%	1, 17, 20	3/16%	5	3/37%	3	جاذبه‌های عملکردی	
	5/02%	4, 6, 11, 17, 19	4/43%	7	5/61%	5	تعاملات اجتماعی	
	2/07%	9, 19	1/90%	3	2/25%	2	گوناگونی و تنوع	
	1/51%	14	1/90%	3	1/12%	1	حمایت اجتماعی و امنیت	
	1/75%	9, 13	1/27%	2	2/25%	2	رضایت‌مندی و سرزندگی	
	2/70%	1, 20	3/16%	5	2/25%	2	عملکردگرایی	
4/70%	4, 11, 13, 14, 19	3/80%	6	5/61%	5	اجتماع‌پذیری		
41/00%	2/70%	3, 17	3/16%	5	2/25%	2	نفوذپذیری و عبور دستیابی	3
	3/90%	1, 17, 19	4/43%	7	3/37%	3	تنوع فعالیت‌ها	
	3/34%	3, 19	4/43%	7	2/25%	2	نقش و تزیین	
	2/77%	18	4/43%	7	1/12%	1	مواد بوم آورد	
	6/14%	1, 5, 11, 12, 14, 17, 20	4/43%	7	7/86%	7	فرم هندسی	
	3/90%	14, 18, 20	4/43%	7	3/37%	3	جنس	
	7/27%	1, 2, 5, 11, 12, 14, 17, 19, 20	4/43%	7	10/11%	9	ابعاد و اندازه	
5/02%	14, 17, 18, 19, 20	4/43%	7	5/61%	5	رنگ و بافت		
3/26%	1, 2, 19	3/16%	5	3/37%	3	تناسبات		
3/58%	8, 17, 19	3/80%	6	3/37%	3	موقعیت استقرار		
2/95%	12, 18, 20	2/54%	4	3/37%	3	انفکاک و مراتب		
2/70%	17, 19	3/16%	5	2/25%	2	بو، صدا، نور		
100%	100%	-----	100%	158	100%	89	جمع مقادیر و درصد تأثیرات	

داده که درصد فراوانی عامل عینی 38/8 درصد و عامل ذهنی 34/6 درصد و عامل رفتاری 26/6 درصد به دست آمده است. تفاوت میان نظرات پژوهشگران پیشین و پژوهشگران حاضر به میزان 1/01 درصد (طبق تحلیل تطبیق نقطه‌ای) است.



شکل 10- درصد تأثیر مؤلفه‌های مؤثر حس مکان در تحقق

رضایتمندی سکونتی طبق نظر پژوهشگران

Fig. 10 - Effect percentage of sense of place components on the realization of residential satisfaction

جدول 9- فراوانی مؤلفه‌های حس مکان بر اساس نظریه پژوهشگران پیشین و حاضر

Tab. 9- Frequency components of sense of place based on the theory of previous and present researchers

ردیف	مؤلفه‌های مورد تأیید و توجه	پژوهش پیشین	پژوهش گران	درصد تطبیق
1	ذهنی (عوامل غیر فیزیکی و احساسی)	37/5%	34/6%	0/92%
2	رفتاری (عوامل فعالیتی و قابل مشاهده)	32/5%	26/6%	0/82%
3	عینی (عوامل فیزیکی و ملموس)	30/0%	38/8%	1/29%
	جمع‌بندی نتایج آراء کسب شده	100/0%	100/0%	1/01%

از این رو توجه به عوامل ذهنی افراد دارای اهمیت زیادی است که شاخص‌های ذهنی عبارت‌اند از: هویت و اصالت، زیبایی و نمادها، خوانش‌پذیری، خاطره‌انگیزی، امنیت روانی، حریم، تعلق‌پذیری، دل‌بستگی به مکان، مناسبات فرهنگی و جذابیت بصری است. وجه دیگر دست‌یابی به رضایتمندی جنبه عینی-ذهنی است. کیفیت عینی-ذهنی زندگی بر حسب رفتارها و فعالیت‌های افراد با یکدیگر است که شکل می‌گیرد که معمولاً با استفاده از پاسخ قابل‌مشاهده اندازه‌گیری می‌شود که شاخص‌های رفتاری عبارت‌اند از حضورپذیری، تعاملات، گوناگونی و تنوع رفتاری، امنیت‌پذیری، رضایت‌مندی، سرزندگی و اجتماع‌پذیری است. رضایتمندی سکونتی، مفهومی چندبعدی است و ارتباط مستقیمی بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت محیط زندگی در شهر است. بنابراین سنجش رضایتمندی سکونتی تنها با یکی از دو دسته شاخص‌های عینی و ذهنی نمی‌تواند تصویری روشن و منطبق بر واقعیت را برای طراحان ترسیم کند بلکه عامل میانی وجود دارد که شاخص‌های رفتاری-عملکردی را در برمی‌گیرد این عامل که الگوهای رفتاری و فعالیتی افراد را مورد بررسی قرار می‌دهد. نادیده گرفتن هر یک از این دسته‌ها می‌تواند انحرافات بزرگی را در طراحی‌ها به وجود بیاورد. با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده پی برده شد که عامل عینی به میزان 41 درصد در بهبود رضایتمندی مؤثرتر است. در شکل شماره 10 مدل کمی مؤلفه‌های حس مکان در بهبود رضایتمندی سکونتی ترسیم شده است.

1-3- تطبیق نظرات پژوهشگران پیشین با پژوهشگران حاضر

لذا بر اساس جدول شماره 9 در جمع‌بندی 40 نظریه از 20 نفر نظریه‌پرداز در سه حوزه عینی، رفتاری، ذهنی و به صورت فهرست فوق تهیه گردید و همچنین توسط 20 نفر از پژوهشگران حاضر که در زمینه حس مکان پژوهش نموده‌اند، توزیع شد و نتیجه پژوهش پژوهشگران پیشین نشان دهنده این است که درصد فراوانی عامل ذهنی 37/5 درصد و عامل رفتاری 32/5 درصد و عامل عینی 30/0 درصد و نتیجه پژوهش پژوهشگران حاضر نشان

4- نتیجه گیری

بنابراین دو مفهوم حس مکان و کیفیت محیط زندگی بر اساس سه عامل شکل می گیرد. این عوامل تشکیل دهنده در سه جنبه ذهنی (معنایی)، رفتاری (فعالیت و عملکرد) و عینی (کالبدی) تقسیم بندی شد. در بررسی های انجام شده مشخص شده است که درصد تأثیر بعد ذهنی حس مکان در ارتقای رضایتمندی سکونتی طبق نظر پژوهشگران تأثیرگذاری بیشتری نسبت به دو بعد دیگر دارد. یعنی عوامل ادراکی- معنایی بر روی رضایتمندی سکونتی افراد و بهبود کیفیت زندگی تأثیرگذارترند.

با توجه به شکل شماره 11 به بررسی تطبیقی پژوهشگران پیشین و حاضر در مورد مؤلفه های حس- مکان پرداخته و ارزیابی شد با توجه به شکل زیر به نظر پژوهشگران پیشین و حاضر بین سه مؤلفه ذهنی، رفتاری و عینی توافق نظر وجود دارد و میزان مطابقت نظرات 99/6% است. این کنترل و مقایسه به کمک روش هندسه تحلیلی به دست آمده است. در این روش پس از هم بعد نمودن متغیرها مساحت شکل ها به کمک نرم افزار اتو کد، تعیین و نسبت مطابقت مقادیر سطح ها توسط فرمول زیر محاسب

$$(FI = (A1 \div A2) \times 100 = 2/3 \div 2/33 = 99/6\%)$$



شکل 11- بررسی تطبیقی پژوهشگران پیشین و حاضرین در مورد موضوع حس مکان عامل تحقق رضایتمندی
 Fig. 11 - Comparative study of previous and present scholars on the subject of sense of place factor for residential satisfaction



Ansari, M; Bohtuii, R; Hosseinikia, S. M. M; Dadgar, M. (2013). A Study of Sense of Place in Iranian Gardens and Today's Gardens (Case Study: Dolatabad Garden in Yazd and Water and Fire Park in Tehran). *Journal of Islamic Iranian City Studies*, 13: 5-14. [In Persian]

Arefi, M. (1999). Non Place and Placelessness as Narratives of Loss. *Journal of Urban Design*, 4(2):179-193. [In Persian]

BahramPour, A; and Modiri, A. (2015). Study of the Relationship Between Residents' Satisfaction with Living Environment and their Sense of Belonging in High-Rise Residential Complex in Kowsar Town of Tehran. *Journal of Fine Arts*, 20(3): 85-94. [In Persian]

BehzadFar, M; and GhaziZadeh, S.N. (2011). The Satisfaction of the Residential Living Space of the Case Study: Residential Complexes of the City. *Journal of Fine Arts*, 3(45): 15-24. [In Persian]

BehzadFar, M. (2013). *Classmate Pamphlet of Urban Design Lessons*. Tehran: University of Science and Technology. [In Persian]

Brinckerhoff Jackson, J. (1994). *A Sense of Place, a Sense of Time*. Yale University Press, New Haven and London.

Canter, D. (1971). *The Psychology of Place*. London: The Architectural press.

Carmona, M; and Tiesdell, S. (2007). *Urban Design Reader*. Architectural Press, Oxford.

Carmona, M. (2006). *Public Places, Urban Spaces*. Architectural press, Elsevier, Oxford.

Cross, J.E. (2001). What is Sense of Place? Prepared for the 12th Headwaters Conference, Western State College, November 2-4.

Cross, J.E. (2003). *Conceptualizing Community Attachment*. Available from <http://www.ruralsociology.org/annual-meeting/2003/CrossJennifer.pdf>

Falahat, M. S. (2006). The Sensibility and its Constituent Factors. *Journal of Fine Arts*, 1(26): 57-66. [In Persian]

Falahat, M. S; Kamali, L; Shahidi, S. (2016). The Role of the Concept of Place Sense in Improving the Quality of Architectural Protection. *Journal of Bagh Nazar*, 14(46): 15-22. [In Persian]

Gustafson, P. (2001). Meaning of Place: Every Experience and Theoretical Conceptualization. *Journal of Environmental Psychology*, 21(1): 5-16.

لذا بر اساس نظرات متخصصین حوزه حس مکان، می‌توان دریافت؛ حس مکان ترکیبی از سه جنبه فوق‌الذکر یعنی: ذهنی (ادراکی- معنایی)، رفتاری (فعالیتی- عملکردی) و عینی (کالبدی- فیزیکی) است. پژوهش‌های صورت گرفته نشان داده است، بر اساس نظرات پژوهشگران پیشین اولویت‌های تأثیرگذار بر روی حس مکان به ترتیب عبارت است از: مؤلفه ذهنی (معنایی - ادراکی) 37/5% و عوامل رفتاری (فعالیتی- عملکردی) 32/5% و عوامل عینی (کالبدی و فیزیکی) به میزان 30/0% است. این امر نشان می‌دهد که از نظر پژوهشگران پیشین احساس درونی و ادراک فرد نسبت به محیط و تأثیر عوامل ملموس محیطی، همچنین حضور و رفتار آدمی؛ در ارتقای کیفیت محیط زندگی و تحقق رضایتمندی سکونت، تأثیرگذاری بیشتری دارد. در ادامه، پژوهش‌های صورت گرفته نشان داده است، بر اساس نظرات پژوهشگران حاضر، اولویت‌های تأثیرگذار بر روی حس مکان؛ به ترتیب: عوامل عینی (کالبدی و فیزیکی) 38/8% و مؤلفه ذهنی (معنایی - ادراکی) 34/6% و عوامل رفتاری (فعالیتی - عملکردی) 26/6% است. یعنی با توجه به نظرات پژوهشگران حاضر از مؤلفه‌های حس مکان؛ عامل عینی (کالبدی و فیزیکی) در ارتقای کیفیت محیط زندگی و تحقق رضایتمندی ساکنین، مؤثرتر است. در نهایت همپوشانی نظرات پژوهشگران پیشین و پژوهشگران حاضر (FI)=99/6% خواهد بود. بنابراین از نتایج پژوهش می‌توان چنین اظهارنظر نمود که هر سه عامل عینی، ذهنی و رفتاری به طور همسنگ با هم در تحقق حس مکان و در نتیجه بهبود کیفیت محیط زندگی به منظور ایجاد رضایتمندی سکونتی عملاً مؤثر خواهند بود.

پی‌نوشت

- ¹Mental Image
- ²Sense of Place
- ³Tuan

منابع

Ali Mohammadi, Gh; and Abdollahi, R. (2018). Explaining the Foundations of Culture in Iranian Indigenous Architecture and its Relationship with Creating a Place of Sense. *Journal of Urban Management*, 50: 33. [In Persian]



Partoii, P. (2013). Phenomenology of the Place. Second Edition, Tehran: Matin Publications. [In Persian]

PirPaii, M; NajafiNezhad, H; Ghaffari Khalaf Mohammadi, S. M; KhodadadiFar, S. (2018). An Assessment of the Impact of Citizenship's Sense of Belonging Sense of a Place of Life, with an emphasis on its meaning component; Case study: New Shushtar Khuzestan. Urban Management Magazine, 17(50): 163. [In Persian]

Salvesen, D. (2002). The Making of Place; Research on Place and Space Website. 20 Feb.

Seamon, D; Sowers, J. (2008). Place and Placelessness (1976): Edward Relph. Key Texts in Human Geography, London: Sage, 43-51.

Shamai, S. (1991). Sense of Place: An Empirical Measurement. Geoforum, 22(3): 347-358.

Steele, F. (1981). The Sense of Place, Massachusetts. CBI Publishing Company.

Tuan, Y.F. (1977). Topophilia: A Study of Environmental Perception. Attitudes and Values, New York: Columbia University Press.

Tuan, Y.F. (1980). Rootedness Versus Sense of Place. Journal Landscape, 24: 3-8.

Tuan, Y.F. (2001). Subjective Assessment of Urban Quality of Life in Singapore. Habitat International, 24(1): 31-49.

Van Kamp, I; Leidelmeijer, K; Marsman, G; Hollander, A. (2003). Urban Environmental Quality and Human Well-Being toward a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts; Literature Study. Journal of Landscape and Urban Planning, 65(1,2): 5-18.

VazifeDust, H; and Amini, M. (2009). An Investigation of the Importance of Indicators of Urban Quality of Life: from the Point of View of Managers and Specialists of Urban Management. Quarterly Journal of Urban Management Studies, 1(3): 1-18. [In Persian]

Xu, Y. (1995). Sense of Place and Identity. Research on Place and Space Website, 20 Feb.
http://www._____.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/repots/yards/main.html.

<http://newspaper.hamshahri.org/id/7527>.

Hummon, D. (1992). Community Attachment: Local Sentiment and Sense of Place. Place Attachment, Plenum, New York: 253-278.

Jiven, G; and Peter, L. (2003). Sense of Place: Authenticity and Character. Journal of Urban Design, 8(1): 67-81.

Jorgensen, B. S; and Stedman, R. (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Property Owners' Attitudes Toward their Properties. Journal of Environmental Psychology, 21(3): 233-248.

Kashi, H; and Bonyadi, N. (2013). Explain the Location Identity Model of Sense of Place and Examine its Various Elements and Dimensions. Journal of Fine Arts, 3(18): 43-52. [In Persian]

Lotfi, S. (2009). The Concept of Urban Quality of Life: Definitions of Dimensions and their Measurement in Urban Planning. Journal of Human Geography, 4(1): 65-80. [In Persian]

MirGholami, M; and Aishm, M. (2016). Sense of Place Assessment Model Based on Physical, Perceptual, Functional and Social Components, Case Study: Imam Street of Urmia. Journal of Urban Studies, 5(19): 69-80. [In Persian]

Montgomery, J. (1998). Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design. Journal of Urban Design, 3(1): 93-115.

NaghiZadeh, M. (2007). The Perception of the City's Beauty and Identity in the Light of Islamic Thinking. Deputy Mayor of Isfahan. [In Persian]

Norberg Schulz, C. (1997). The Phenomenon of Place. New York: Princeton Architectural Press.

Norberg Schulz, C. (2010). The Soul of the Place: To the Phenomenology of Architecture. Translated: Mohammad Reza Shirazi, Second Edition, Tehran: New Occur.

Pakzad, J. (2006). Theoretical Foundations and Urban Design Process. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development. [In Persian]

Pacione, M. (2003). Urban Environmental Quality and Human Wellbeing—a Social Geographical Perspective. Landscape and Urban Planning, 65(1,2): 19–30.

Panter, J. V. (1991). Participation in the Design of Urban Space. Landscape Design, 200: 24-27.



جدول 1- تبیین دیدگاه‌های نظریه پردازان مطرح از موضوع حس مکان

Tab. 1- Explanation of theorists' views from the subject of sense of place

ردیف	اسامی صاحب نظران	دیدگاه‌های مطرح در تعریف حس مکان	عوامل مؤثر معرفی شده			تجربی	نظری	رفتاری
			عوامل فیزیکی (ملموس و قابل اندازه‌گیری)	عوامل غیر فیزیکی (ناملموس)	عوامل فیزیکی و غیر فیزیکی (رفتاری)			
1	Canter (1997)	حس مکان دربرگیرنده چهار مؤلفه: فضا، فعالیت و عملکرد، تصویر ذهنی- معنا، کالبد- ریخت.	فضا، کالبد- ریخت	تصویر ذهنی- معنا	فعالیت و عملکرد	*	*	*
2	Steele (1981)	حس مکان از عواملی همچون عوامل کالبدی و عواملی شناختی- ادراکی تشکیل شده است.	کالبد	ادراک و شناخت	-	*	*	*
3	Panter (1991)	حس مکان متشکل از ساختار فیزیکی (نفوذپذیری، چشم‌انداز، مبلمان)، فعالیتی (الگوهای رفتاری، محیط مصنوع و خوانایی)، معنایی (مناسبات فرهنگی، عملکردهای ادراکی و ارزیابی کیفی) است.	ساختار فیزیکی	معنا	فعالیت	*	*	*
4	Shamai (1991)	حس مکان برگرفته از تجربه افراد، نگرش‌ها، رفتار افراد و مشارکت. حس مکان مخلوطی از احساسات خودآگاه و ناخودآگاه و دریافت‌ها (ادراک) است.	-	احساسات، ادراکات	رفتار افراد	*	*	*
5	Hummon (1992)	حس مکان ریشه‌داری عواملی همچون عقیدتی، ریشه‌داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی‌مکانی است.	مکان نسبی	عقیده و عوامل ناخودآگاه	-	*	*	*
6	Altman and Low (1992)	حس مکان برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان- مکان و انسان- انسان در یک مکان خاص است.	-	-	تعاملات و فعالیت‌ها	*	*	*
7	Jackson (1994)	حس مکان، حسی است که فرد در نتیجه یک اتفاق در درون خود می‌سازد و با حس بازخوانی دوباره وقایع، نگهداری می‌شود.	-	احساس درونی	-	*	*	*
8	Xu Yan (1995)	حس مکان برگرفته از ساختارهای معنایی، نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها، ویژگی‌های فردی و پیوندهای افراد با مکان. ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته‌شده برای ایجاد مجموعه کیفیات خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارند.	محیط ساخته‌شده	معنا و نگرش	-	*	*	*
9	Montgomer (1998)	حس مکان حاصل سرزندگی و تنوع فعالیت‌هاست.	تنوع فعالیت	سرزندگی	-	*	*	*
10	Arefi, (1999)	حس مکان وابستگی‌های مردم با مکان‌هایشان و یا آنچه برخی آن را ساختار احساس نامیده‌اند، را در بر می‌گیرد.	-	احساس وابستگی	-	*	*	*
11	Gustafsson (2001)	حس مکان از سه عامل فرد، محیط و دیگران تشکیل می‌شود.	محیط مصنوع	-	ارتباط با دیگران	*	*	*
12	Tuan (2001)	حس مکان «مکان دوستی» مطرح می‌کند و آن را پیوندی بر محبت و تأثیرگذار میان مردم و مکان‌ها	فضا	-	قرارگاه‌های رفتاری	*	*	*

				یا قرارگاه‌ها می‌داند. حس مکان مستلزم حضور فرد در فضا است.		
				حس مکان ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع تعریف می‌کند. او رابطه با مکان را به صورت زندگی‌نامه‌ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی دسته‌بندی می‌کند، که با عواملی مانند هویت و رضایت‌مندی پنج سطح مختلف از حس مکان یعنی ریشه‌داری منسجم، ریشه‌داری نامنسجم، بیگانگی با مکان، بی‌مکانی نسبی و بی-مکانی مطلق ایجاد می‌کند.	Cross (2001)	13
*	*	عوامل معنوی، عقیدتی، وابستگی، هویت، درونی	-	حس مکان موقعیت، منظر، درهم تنیدگی فردی، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین، وسایل رفاهی، طبیعت و فضاهای خصوصی و جمعی را شامل می‌شود.	Salvesen (2002)	14
*	*	اصالت، درهم تنیدگی فردی، فضاهای جمعی مالکیت	کالبد	حس مکان دربرگیرنده سه مؤلفه: هویت مکان، دل‌بستگی و وابستگی به مکان. حس تعلق به مکان، یک بعد از کلیت حس مکان و وابستگی مثبت است بین فرد و مکان ایجاد می‌شود.	Jorgensen and Stedman (2001-2006)	15
*	*	حس تعلق، وابستگی به مکان، هویت مکان	-	حس مکان، پیوند میان فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند.	Falahat (2006)	16
*	*	تعاملات میان افراد	-	حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ، درجه محصوریت، بو، صدا، تنوع بصری، مقیاس انسانی، اندازه مکان، تناسب است.	Schulz (2010)	17
*	*	عوامل ملموس (مصالح، شکل، بافت، رنگ)	-	حس مکان برگرفته از سه عامل کالبدی، غیر کالبدی و فعالیت‌های انسانی است.	Behzadfar (2013)	18
*	*	کالبدی (تناسبات، فرم و اندازه، روابط و چیدمان، درجه محصوریت، مقیاس انسانی، رنگ و فواصل)	کالبد	حس مکان ترکیبی است از چهار حوزه کالبدی (تناسبات، فرم و اندازه، بافت و تزئینات، روابط و چیدمان، درجه محصوریت، مقیاس انسانی، فواصل و رنگ) حوزه ادراکی (هویت و اصالت، بو و صدا، جذابیت، نمادها و نشانه‌ها، زیبایی) حوزه اجتماعی (حس اجتماع، تعاملات، فعالیت و رفتارها) حوزه عملکردی (کاربرهای جاذب و تنوع، تسهیلات) است.	Mirgholami (2016)	19
*	*	اجتماعی- عملکردی (هویت و اصالت، تعاملات، حس صدا، اجتماع، فعالیت- جذابیت، نمادها و رفتارها، کاربری- و نشانه‌ها) های جاذب، تسهیلات	کالبد (خوانایی، حس- تعلق)	مفهوم حس مکان به وسیله آشکار کردن معانی فضاهای میراثی بر حفاظت معماری اثر می‌گذارد و حس مکان کمرنگ شده یا از بین رفته این فضاها را از طریق اقدامات کالبدی - عملکردی مناسب خواناسازی می‌کند.	Falahat (2016)	20
13	15	12	جمع‌بندی میزان توجه پژوهشگران پیشین به موضوع حس مکان			